

## تحلیل و بررسی فیلم زن آرام A Gentle Woman رابرت برسون



مواردی که در فیلم زن آرام مورد نقد و تحلیل قرار می دهیم:

- تحلیل سینمای رابرت برسون
- نگاهی به سبک آثار برسون
- تحلیل پرسناژ زن در فیلم "زن آرام"
- تحلیل سکانس ها و نماها در فیلم "زن آرام"
- قاب بندی در فیلم "زن آرام"
- مشاهده تریلر فیلم زن آرام (در انتهای مقاله)
- ثبت کامنت و مشاهده نظر سایر دوستان (در انتهای مقاله)



### استودیو کاتشو

#### ارائه خدمات فیلمسازی و تدوین

- ✓ ایده پردازی و سناریو تیزر های تبلیغاتی
- ✓ تولید فیلم مستند و فیلم سینمایی کوتاه
- ✓ طراحی و ساخت انیمیشن و موشن گرافیک
- ✓ ساخت موزیک ویدئو ، فیلم مراسم و فرمالیته

کلیک کنید



www.Cutsho.com



## تحلیل سینمای رابرت برسون

اگر چه که برسون، کارگردان آریستوکرات فرانسوی در طول حیات حرفه ای چهل ساله خودش بیشتر از سیزده فیلم ساخت اما همین محدود آثارش را می توان به حریری یک پارچه تشبیه نمود که هم زمان سه وجه سادگی، سرسختی و گزیدگی را دارد. فیلمساز مولفی که فیلم هایش در فرم به مثابه یک امر واقعی ظهور می کنند و یا سعی می کند به امر واقع نزدیک بشود و از این طریق سوژه ای ادراکی مخاطب را به چالش بکشند که این سبک مولفانه ی نمایشی که از طریق آشنایی زدایی از دکوپاژ های روایی و کارکرد گرا حاصل می شود، به زعم نگارنده در زن نازنین، به اوج رادیکالیسم خودش می رسد.

درباره ی سینمای برسون خیلی می توان بیشتر صحبت کرد و می توان فیلم هایش را به شیوه ی سکانس به سکانس بصورت جزئی تر نقد نمود. به لحاظ نمایشی نحوه ی دکوپاژ مقطع برسون و قرائت خاص او از فضای پروفیلمیک، تفریق غایی زوائد بصری و مینیمالیسم تالیفی، به لحاظ فرماسیون روایت ساختار دو وجهی فیلمنامه (فلاش بک و فلاش فورواردهای ذهنی)، آشنایی زدایی از جوهره ی مسبوق به حرکت زمان و گسست مدار حسانی حرکتی (تئوری ژیل دلوز)، اوپنینگ و پایان بندی فیلم و گسست زمان فیزیکی و چه به لحاظ مضمونی در بسط سوژه، می توان از طریق فیلم زن آرام به فصل تئوری "روح مدرن" یونگ برسون، تئوری فقدان ارتباط کی یرکگور و نظریه ی انسان مدرن ژیل دلوز پرداخت که مسلماً تشریح همه ی این مباحث با مصداق در این سیاهه ی موجز نمی گنجد و تنها می تواند بصورت تیتروار مطرح شود.



## نگاهی به سبک آثار برسون

فیلم های برسون با آن مینیمالیسم حذف گرایی که در متورانس و امر دکوپاژ داشتند، همواره مصداق بارز نظریه ی مولف بودند و بیشترین تاثیر را بر روی فیلمسازان موج نو، آندری تارکوفسکی، ژان ماری اشتراپ و میشائیل هانکه گذاشتند. نظریه ای که سال ها چهره های شاخص موج نوی فرانسه مانند الکساندر آستروک، فرانسوا تروفو، ژان لوک گدار، دونیول والکرز و آندره بازن داعیه دارش بودند و اعتقاد داشتند که امروز سینما از جذابیتی فانفار گونه و وضعیت (spectacle) به معنای نمایش و منظره (به زبانی قاعده مند جهت بیان اندیشه ها و تفکرات شخص مولف تبدیل شده است و دوربین، همچون قلم فیلمساز می ماند که تفکر و تشخیص فیلمساز می بایست در وجوه نمایشی و مضمونی آن پدیدار گردد.

همان طور که گفتیم برسون در سبک و استایل خودش، از طریق فروکاست و و تفریق غایی زوائد بصری در نمای مقطع و یک شگرد شدیداً حذف محور و متکی به نگفتن و ندادن حداکثری اطلاعات زائد و ناکارآمد در قصه گوئی، برای ما یک انتزاع ریتمیک را به وجود می آورد که عصاره اش، تاکید بر روی اساسی ترین بخش اطلاعات روایی است و طبعاً زمانی که چنین وسواسی در چگونگی انتقال اطلاعات بصری به مخاطب وجود داشته باشد، ناهای کارکرد گرا و کلی مثل واپد شات و یا مدیوم لانگ شات و ... ناکارآمد خواهند بود. لذا برسون در فیلم زن آرام کمتر از ناهای این چنینی استفاده می کند و تمرکز را بر روی کلوز آپ های تخت و ناهایی با حداقل زوائد بصری و حداکثر حذف گرایی می گذارد.



### تحلیل پرسناژ زن در فیلم "زن آرام"

پرسناژ زن، مصداق بارز یک فرد انتزاعی در برزخ مدرنیته است. فردی به لحاظ درونی متخلخل با نگاه‌هایی مسکوت و ساحتی به کنج رفته. خلق چنین پرسناژی، یک ابداع اصیل مدرنیستی است. فردی که گذشته‌اش تعیین‌کننده‌ی آن چیزی نیست که در آینده برای او رخ می‌دهد. چیزی که کارل گوستاو یونگ، "روح مدرن" توصیفش می‌کند. انسان یونگ، تهی از هرگونه عشق، طمع یا جاه‌طلبی و یا هر صفتی است که او را به شخص دیگری و به ابژه‌های فیزیکیال بیرونی پیوند می‌زند. به قول یونگ "انسان مدرن همواره آزاد و تنهاست."

او از اکنون ناآگاه آمده و آینده‌ی این انسان مه‌آلود و نامعلوم است. این دقیقاً نمایش همان چیزی است که دلوز به آن می‌گوید "ناپدیداری امر بنیادین" یعنی گسست انسان و جهان فیزیکی جهان، تماماً بیرون از پرسناژ زن قرار دارد و او آنچنان مجذوب زیست درونی خویش است که نمی‌تواند به کنش‌های معین و منطقی منتهی شود. این انسان، راز و یا جعبه‌ی سیاهی از اعماق درون است که هیچگاه بر ملا نخواهد شد. در عنوان فیلم زن آرام که باز می‌توانیم آن را اولین دال زبان شناختیک فیلم بدانیم، برسون به ما می‌گوید که هر آنچه از زن می‌دانیم به تعبیر یونگ، نمونه‌ای پیش‌آمده‌ای از نوع خویش است و نه ماهیت ناشناخته‌ی زن. داستان داستایوفسکی و فیلم زن آرام برسون که یکی از بهترین اقتباس‌های ادبیات به سینما است؛ هر دو تجسسی هستند در لایبرنت‌های روح الیناسیونی این زن و یافتن علتی برای معلول‌های وجودش.



### تحلیل سکانس ها و نماها در فیلم "زن آرام"

آغاز فیلم زن آرام بسیار جالب توجه است. در ابتدای فیلم با خودکشی ناگهانی زن در اوج خمودی و انفعال بصری و حس زدایی روبرو می شویم. در اینجا یک تناقضی میان ماهیت اتفاقی که دارد می افتد و چگونگی بیان وجود دارد که خیلی مهم است. اتفاقی که دارد می افتد را در سیستم سینمای هالیوود تصور کنید که با چه آب و تاب و سانتی مانتالیسمی روایت می شود. کات های تند، حرکات سریع و موسیقی و به طور موجز، المان هایی که صحنه را سمپاتیک می کنند و سعی دارند محرک های نمایشی را در راستایی "حس زایی" به ساختار روایت الصاق کنند.

اما برسون برای انتقال رانه های سردی و حس زدایی و جدا نمودن ساختار روایی از انگیزه های نمایشی و هیجانی، از هیچ تمهید اضافه ای به جز ثبت تصاویر در نماهای بشدت مقطع و گاهاً انتزاعی استفاده نمی کند و همین امر باعث می شود که تماشاگر در هنگام تماشای این صحنه، توجهش فقط بر روی اساسی ترین بخش کنش یا هسته ی گزاره های متعدی [Transitive proposition] جلب شود.



### قاب بندی در فیلم "زن آرام"

رابرت برسون در چگونگی نمایش بسامدهای فیزیکیال داستانی سعی می کند حداقل زوایدی داخل قاب باشند که یا جزئی از مفهوم نما باشند یا خودشان واجد مدلول جدایی از مفهوم اصلی مستتر در قاب نباشند و چون بنا بر زدودن حداکثری حس از قاب های برسون است، نماهای برسون اساساً فاقد گزاره های وجهی و توصیفی هستند و این style کلی فیلمسازی برسون است. مولفی بزرگ با اندیشه ای ژرف و سینمایی بشدت قابل بحث و واجد اهمیت که فهمیدنش یکی از درس های ضروری برای مخاطبان حرفه ای و جدی سینما در سطوح و مراتب بالاتر و تخصصی تر است. البته که با تدقیق در جای جای اثر بصورت جزئی می توان شاخصه های دیگری را هم برای فرم مینی مالیستی برسون در نظر گرفت.

اما همانطور که مشخص است نقدهای فرمال ما با متد کلی نگرشان، به فعلیت و انسجام نمایشی بصورت کلی پرداخته و به کلیت استراکچرش به عنوان یک خروجی منتظم نگاه می کنند و یک برآیند و تدقیق کلی از ساختار نمایشی و روایی اثر را بطوری که جزئیات فیلم اسپویل نشود، صورت بندی می کنند و تلاش ما هم همین آشناپنداری کلی فرم و اسلوب سینمایی و فتوگرافیک رابرت برسون در فیلم زن زیبا بود.

نویسنده

سجاد اسماعیل پور

خدمات فیلمسازی استودیو کاتشو

ساخت تیزر تبلیغاتی

ساخت فیلم صنعتی

ساخت فیلم مستند و فیلم کوتاه سینمایی

طراحی موشن گرافیک و انیمیشن سازی

ساخت فیلم مراسم ، فرمالیته ، موزیک ویدئو و...

خدمات ویدیو مارکتینگ و سوشال مدیا

کاتشو